

## سیری در تطوّر معنایی - تاریخی «حلال»\*

حامد صادقی \*\*

نفیسه صادقی (نویسنده مسئول)\*\*\*

### چکیده

فهم صحیح و دقیق هر معنا یا مفهومی در اولین گام خود، به رمزگشایی از واژگانی نیازمند است که وظیفه انتقال آن معنا را به دیگران به عهده دارد. عدم درک درست از واژگان یک علم، تفسیر نادرستی از آن را به همراه دارد و شناخت دقیق آن واژگان، سهم بسزایی در فهم دقیق و کامل مسائل آن علم دارد. در این جستار سیر تطوّر معنایی - تاریخی واژه «حلال» در ادیان و نحله‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و ریشه‌شناسی شده است؛ به تاریخچه حلال و حرام از خلقت حضرت آدم و در ادیان و نحله‌های هندوئیسم، بودیسم، زرتشت و ادیان ابراهیمی پرداخته شده است و با ارائه تصویری دقیق و جامع از این واژه و نیز بیان تاریخچه آن نزد قدما، چراغ راهی برای پژوهشگران این حوزه وسیع فراهم شده است. حلال در لغت به معنی گشاینده، گشایش، گره‌گشایی و راحتی است. در اصطلاح فقه، حلال حکمی وضعی است نه حکم تکلیفی. کلمات دیگری نیز در ادبیات دینی و استعمالات امروزی در همین معنا به کار رفته است؛ به عنوان مثال واژه‌های طیب، green سبز، طاهر، اسلامی، سالم، پاک، مذکی و مصفی؛ اما جامع، کامل و پرکاربردترین آنها واژه «حلال» است. در بیان معنای حلال از نگاه اسلامی به وضوح آمده است که حلال در اسلام صرفاً جنبه تشریحی و تبعیدی ندارد، بلکه برآورنده منفعت، صلاح، فلاح و آرامش نسل‌های بشر است و جنبه‌های مختلف جسمی، ذهنی، روانی و روحانی او را نیز در بر می‌گیرد و استفاده از محصول حلال سلامت و سعادت را به همراه دارد. مقاله حاضر پژوهشی بنیادی با روش توصیفی - تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای است.

### کلیدواژگان

حلال، تطوّر تاریخی، سلامت و سعادت، حکم وضعی، گره‌گشایی و راحتی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۴

\*\* استاد حوزه علمیه و عضو هیئت علمی مرکز ملی تحقیقات حلال | sadeghi@yahoo.com

\*\*\* دانشیار رشته شیمی مواد خوراکی و آب‌شناسی و عضو هیئت علمی مرکز ملی تحقیقات حلال |

nsadeghi@sina.tums.ac.ir

## مقدمه

واژه حلال از کلمات پر استعمال به‌ویژه در میان مسلمانان است. در قرآن کریم نزدیک به پنجاه مرتبه از این ریشه در اشتقاقات و معانی مختلف، از خوراکی<sup>۱</sup>، حج<sup>۲</sup>، مسایل مالی<sup>۳</sup>، ازدواج<sup>۴</sup> تا هم‌بستری<sup>۵</sup> و سایر موارد<sup>۶</sup> استفاده شده است.

همچنین مفهوم حلال به عنوان ضوابط و قواعد مربوط به خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و سایر شئون زندگی، مورد توجه تمامی افراد بشر و نحله‌ها و ادیان الهی و غیر الهی بوده و هست.

اما علی‌رغم این کثرت استعمال، معنای واضح و روشنی برای این واژه‌ی به ظاهر بدیهی‌المعنی، یافت نمی‌شود و حتی مفتیان مسلمان و نیز شرکت‌ها و جریان‌های مدعی حلال در دنیا نیز تعریف دقیقی از آن ارائه نکرده‌اند؛ از این رو تصویری مبهم از آن وجود دارد که مانع درک رابطه آن با هنر، معماری، مد و لباس، رسانه و ... را می‌شود. بنابراین در این مطالعه به کنکاش و بررسی معنایی-تاریخی حلال پرداخته شده و تا حد امکان، تصویری روشن، دقیق و جامع از آن ارائه شده است.

حلال در لغت به معنی گشاینده، گشایش، گره‌گشایی و راحتی است. در اصطلاح فقه، حلال حکمی وضعی است؛ یعنی قراردادی از سوی خداوند متعال و مرتبط با ماهیت آن است و حکم تکلیفی به معنی وجوب یا حرمت نیست.

۱. نحل/۱۱۴: فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ. بقرة/۱۶۸: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.
۲. مائده/۲: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَ لَا الْهَدْيَ وَ لَا الْأَقْلَابَ وَ لَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضوانًا وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا.
- ۳ بقرة/۲۷۵: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا. نساء/ ۱۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ.
۴. احزاب/۵۰: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ.
۵. بقرة/۱۸۷: أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ.
۶. هود/ ۳۹: فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُثِيمٌ. طه/ ۲۷: وَ أَحْلَلْ عُقْدَةَ مَنْ لِسَانِي. حج/ ۳۳: لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

کلمات دیگری نیز در ادبیات دینی و استعمالات امروزی در همین معنا به کار رفته است؛ به عنوان مثال واژه‌های طیب، green سبز، طاهر، اسلامی، سالم، پاک، مذکی و مصفی؛ اما جامع، کامل و پرکاربردترین آنها واژه «حلال» است.

در بیان معنای حلال از نگاه اسلامی به وضوح آمده است که حلال در اسلام صرفاً جنبه تشریعی و تعبدی ندارد، بلکه برآورنده منفعت، صلاح، فلاح و آرامش نسل‌های بشر است و جنبه‌های مختلف جسمی، ذهنی، روانی و روحانی او را نیز در بر می‌گیرد و استفاده از محصول حلال سلامت و سعادت را به همراه دارد.

### حلال در لغت و اصطلاح:

هرچند ممکن است این واژه بسیار روشن و واضح به نظر آید، اما برخلاف استعمال و استفاده بسیار از آن، به معنای دقیق لغوی و حتی اصطلاحی آن توجه نمی‌شود و معنی ناقص و غیردقیقی از آن به اذهان تبادر می‌کند؛ از این رو در ابتدا برای روشن شدن سرچشمه بحث و فهم موضوع، به تبیین کلمه «حلال» در لغت و نیز اصطلاح آن در زمینه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و ... در میان علما و عرف می‌پردازیم.

### حلال در لغت:

لغت حلال یک واژه عربی است که از مصدر «حَلَّ يَحُلُّ حَلًّا و حُلُولًا» و در موارد نادری از ریشه «حَلَل» (بدون تشدید) گرفته شده است (ابن سیده، ۱۴۲۱ ه.ق) لغت‌شناسان برای این واژه و مشتقات آن معانی متعددی بیان کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گشودن گره: حَلَلْتُ الْعُقْدَةَ أَحْلَمُهَا حَلًّا: فتحها

همسر: الحلیل و الحلیلة: الزوجان (زهری، ۱۴۲۱ ه.ق)

جای زندگی و نزول و فرود آمدن: الحُلُّ الحُلُول و النزول المَحَلَّة: مَنَزَلِ القوم (ابن

منظور، ۱۴۱۴ ه.ق)

پرداخت قرض و دین: حَلَّ الدَّيْنُ صَارَ حَالًا أَي انْتَهَى أَجَلُهُ فَوَجِبَ آدَاؤُهُ، وَ كَانَتْ الْعَرَبُ إِذَا رَأَتْ الْهَلَالَ قَالَتْ: لَا مَرْحَبًا بِمُحِلِّ الدَّيْنِ وَ مُقَرَّبِ الْآجَالِ (زبیدی، ۱۴۱۴ه.ق)

وارد شدن: احلَّتِ الشَّاةُ، یعنی شیر در پستان گوسفند وارد شد  
خروج از احرام حج: رَجُلٌ حَلَّ أَي غَيْرَ مُحْرَمٍ وَ لَا مَلْتَبِسٍ بِأَسْبَابِ الْحَجِّ (مهنا، ۱۴۱۳ه.ق)

منطقه خارج از مکه: الحِلُّ مَا جَاوَرَ الْحَرَمَ. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ه.ق)  
محل خروج بول: إِحْلِيلُ: مَخْرَجُ الْبَوْلِ مِنْ ذَكَرِ الْإِنْسَانِ وَ مَخْرَجُ اللَّيْنِ مِنَ الثَّدْيِ وَ الضَّرْعِ (هروی، ۱۳۸۷)

جامه و لباس: حُلَّةٌ - زيرجامه و روجامه (إزار - رداء). (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴)  
مقابل حرام: الْحَلَالُ ضِدَّ الْحَرَامِ (طریحی، ۱۳۷۵)  
ماده ای که ماده دیگر را در خود حل کند: حَلَّالٌ - [حل]: مبالغه‌ی «الحال» به معنای «الفاک است»؛ بسیار گشاینده (بستانی، ۱۳۷۵)  
معنای و استعمالات فراوان دیگری نیز برای این واژه گفته شده که از حوصله این پژوهش خارج است.

با دقت در معنای و استعمالات مختلف، این نکته آشکار می‌شود که معنای واحدی در تمامی استعمالات واژه حلال وجود دارد و در واقع اصل معنا یکی است که در موارد مختلف، دارای مصادیق متفاوتی شده است و همین اختلاف در مصداق، باعث توهم وجود معنای متفاوت شده است. معنی اولی و اصلی این واژه همان گشودن و باز شدن گره است و سایر استعمالات با توجه به همین معنا استفاده شده است؛ به زوجین از آن جهت حلیل و حليلة گفته می‌شود که بدون هیچ گره و گرفتاری‌ای، با هم در ارتباط هستند؛ مکان نزول و فرود آمدن را از آن جهت محل می‌گویند که رنج و سختی سفر در آن هموار شده و گره بار همراه در آنجا باز می‌شده است؛ به مکان زندگی از این رو محل و محله می‌گویند که در آنجا راحتی و فراخی و آرامش فراهم است؛ به کسی که

از احرام خارج شده نیز به این دلیل حل گفته می‌شود که موانع استفاده از لذت‌ها برای او برداشته شده است؛ به محل خروج بول و خروج شیر از حیوان هم احلیل می‌گویند، چون باعث گشایش و راحتی است؛ حلال نیز از این رو که گشاینده و بازکننده ماده دیگر است، حلال نامیده شده است؛ علت آنکه متناقض حرام، حلال نامیده شده است، این است که حلال بدون گره و گرفتاری و روان و راحت قابل استفاده است.

از آنچه بیان شد، روشن می‌شود که لغت حلال به هر آنچه روان، راحت، بدون گرفتاری، مشکل و گره و همچنین بدون ناراحتی و سختی باشد، گفته می‌شود؛ علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «و الحل مقابل العقد، و هو فی جمیع موارد استعماله يعطى معنى حرية الشىء فى فعله و أثره»؛ حل واژه‌ای در مقابل عقد است که در همه موارد استعمال خود، معنای آزادی شیء در فعل و اثرش را داراست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق).

بنابر آنچه گفته شد، چنین به دست می‌آید که لغت حلال با لغاتی مانند کوشر Kashrut در عبری یا واژه رُبا Roba و إِخْوَرْدَار Xvardar در پارسی و آیین زرتشتی و کلمات Permissible, lawful, legal, allowed در انگلیسی بسیار متفاوت است و شاید به جهت همین عمق و لطافت است که این لغت امروزه واژه‌ای جهان‌شمول شده است.

### حلال در اصطلاح:

حلال امروزه یک اصطلاح مورد توجه در تمام دنیا است و برای تمامی افراد بشر در اقصی نقاط عالم واژه‌ای آشنا است. این واژه، یک اصطلاح دینی در میان مسلمان است و می‌توان حداقل چهار زمینه استعمال برای آن بیان نمود:

حلال به عنوان حکم تکلیفی<sup>۱</sup> در مقابل حرام تکلیفی؛ یکی از اصطلاحاتی که در فقه و ادبیات شرعی توسط فقها به کار گرفته می‌شود، حلال به معنی حکم تکلیفی در

۱. به حکمی که متوجه انسان است و برای او تکلیف‌آور است، گفته می‌شود؛ «الحکم الموجّه مباشرة إلى سلوك الانسان في مختلف جوانب حياته الشخصية والاجتماعية، و ينقسم إلى الأقسام الخمسة الوجوب و

مقابل حرام است<sup>۱</sup> و شامل احکام واجب، مستحب، مباح و حتی مکروه می‌شود. اگرچه این واژه بدین معنا فراوان در بیان فقها استفاده شده، اما به نظر نگارنده، استفاده از این معنا، دقیق و صحیح نیست و این استعمال ناشی از خلط مبحث و استعمال غیرفنی واژه حلال است. در ادامه به بررسی این استعمالات می‌پردازیم.

### حکم تکلیفی به معنای مباح:

در برخی از استعمالات فقها، حلال به عنوان حکم تکلیفی و به معنی مباح استعمال شده است (بدری، ۱۴۲۸ ه.ق) در این اصطلاح، حلال شامل حرام، مکروه، مستحب و واجب نمی‌شود.

### حکم تکلیفی در مقابل حرام و مکروه:

در مواردی، مراد استعمال کننده از حلال، حکم تکلیفی‌ای است که حرام یا مکروه نباشد.<sup>۲</sup>

این دو استعمال و به طور ویژه استعمال حلال به عنوان حکم تکلیفی، استعمالی نادرست است؛ زیرا استعمال حلال در برخی از احکام تکلیفی در روایات و آیات قرآن، مانند آیات *أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ، يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا*

*أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ، يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ* و .... ناظر به معنای لغوی کلمه حلال است و نه معنای اصطلاحی آن) و منشأ آن تضاد کلمه حلال و حرام است و از آنجا که حرام به عنوان حکم تکلیفی مطرح شده است، حلال نیز به عنوان حکم

الحرمة والاستحباب والكرهة والإباحة و خطاباتة من قبيل صلّ و لا تشرب الخمر». بدری، تحسین، معجم مفردات أصول الفقه المقارن - تهران، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق.

۱. «الحلال بالفتح هو ما أباحه الكتاب و السنة بسبب جائز مباح». كشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۰۳.  
 ۲. «و قبيل: الحلال كل شيء لا يعاقب باستعماله، و ما أطلق الشرع فعله، مأخوذ منه: الحل، و هو الفتح و قبيل الحلال: هو ما أفتاك المفتي أنه حلال». عثمان، محمود حامد، القاموس المبین فی إصطلاحات الأصوليين - ریاض، چاپ: اول، ۱۴۲۳ ق. «ما نصّ الشارع علی طلبه مع الوعيد علی تركه. ذهب إلى هذا بعض علماء أهل السنة». بدری، تحسین، معجم مفردات أصول الفقه المقارن - تهران، چاپ: اول، ۱۴۲۸ ق.

تکلیفی استعمال شده که این استعمال مخالف معنای لغوی و نیز اصطلاح دقیق فقها و اصولیون است. آنچه مقابل حرام تکلیفی است، وجوب، استحباب، اباحه و کراهت است که در کلمات علما به صورت واضح و مبرهن بیان شده است، نه اصطلاح حلال؛ هرچند این استعمال نادرست بسیار رایج بوده و موجب فهم نادرست نیز شده است.

### حکم وضعی<sup>۱</sup>

منظور از حکم وضعی، حکم شرعی مستنبط از احکام اسلامی است که ارتباط مباشر و مستقیم با تکلیف انسان ندارد و حکم خود آن شیء یا مسأله است؛ مانند طهارت، نجاست، زوجیت و اسباب شرعی و ...؛ به عنوان مثال، وقتی به غذا حلال اطلاق می‌شود، حکم خود غذا است که بیان شده است، فارغ از اینکه تکلیف مکلف چیست؛ زیرا ممکن است در مواقعی حتی مصرف یک کالا واجب شود، علی‌رغم آنکه حکم وضعی آن حرام است یا در مواقعی مصرف آن حرام باشد با آنکه آن خوراکی

۱ «الوضع لغة الحط و الطرح، و وضائع الملك ما يوضع عليها من الخراج و الضريبة، كوضع الزكاة على الاموال، و شرعا هو الاعتبار و الجعل لا من حيث الاقتضاء و التخيير، لعدم تعلقه بفعل فيه اقتضاء البعث و الزجر. فالحكم الوضعي هو ما عدا الاحكام التكليفية كان له ربط و تأثير في الحكم التكليفي كسببية الدلوک لوجوب الصلاة، أو في متعلقه و موضوعه، كالجزيئة المنتزعة عن جعل شيء جزءا لم يتعلق الامر، او لم يكن له ذلك. و الاحكام الوضعية لا تتعلق بافعال المكلفين و لا بذواتهم ابتداء، فانها اعتبارات شرعية او منتزعة عن تكليف شرعي، و متعلقة بامور قد يتعلق بها تكليف يوجه الى المكلف، مثلا: الملكية التي يجعلها الشارع عند وقوع عقد البيع، لم تتعلق بفعل المكلف، و لكن بواسطتها تتعلق بفعله احكام تكليفية، كتحریم التصرف في المال المباع، لانه تصرف في مال الغير بدون اذنه. و هكذا في غيرها من الاحكام الوضعية». مکی عاملی حسین یوسف، قواعد استنباط الأحكام - قم، چاپ: اول، ۱۳۹۱ ق.

«اما حکم وضعی عبارت است از جعل شرعی به عنوان امضاء. اما تعریف: حکم وضعی عبارت اخری قوانین موضوعه است. استادنا العلامة شیخ صدرای باکویی قدس الله نفسه الزکیه تقریب درس کفایه اش را که خطی دارم در آن تقریر دیدم تصریح دارند که جعل قوانین. احکام وضعیه جعل قوانین است. در اصطلاح عربی تاریخ معاصر هم قانون را همین قانون های رسمی حکومتی را قوانین موضوعه می گویند موضوعه یعنی وضع شده. تعریف حکم وضعی در یک جمله حکم وضعی عبارت است از جعل شرعی نسبت به قانون های مربوط به نظم اجتماعی مثل ممنوعیت از رفت و آمد و مثل قانون شهرداری ها و مثل قانون رانندگی». تقریرات درس سید کاظم مصطفوی، سایت مدرسه فقهات

حلال است، مانند خوردن گوشت سگ برای ضرورت حفظ نفس در جایی که چیزی پیدا نمی‌شود و یا خوردن گوشت گوسفند در مجلس شراب و گناه.

یکی از موارد استعمال واژه حلال، به عنوان حکم وضعی است. استعمالات فقها در باب اطعمه و اشربه، صید و ذباحت ناظر به این معنی است. در مقابل آن حکم وضعی حرام است؛<sup>۱</sup> حکم وضعی حرام به معنای ممنوع، ناروا، ناشایست، دارای مشکل و گره است؛ باید به این نکته توجه کرد که هر دو اصطلاح حلال و حرام با اصطلاح مشابه در حکم تکلیفی متفاوت و مغایر است.<sup>۲</sup> اصطلاح حکم وضعی با معنای لغوی تطابق کامل دارد و در استعمال معنای اصطلاحی نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

به زبان ساده، حلیت با نگاه دقیق، شبیه نجاست و پاکی است. این که بیان شد حلال حکم وضعی است، بدین معناست که این حکم، قانون و اعتباری از سوی خداوند است که به اشیاء مختلف مثل گوشت گوسفند یا گوشت زرافه یا نوشیدنی به دست آمده از سیب یا انگور اطلاق می‌شود؛ همان گونه که درباره ادرار، آب، روغن، خون و مدفوع قانون وجود دارد و بعضی از آنها پاک و برخی نجس هستند. این حکم مربوط به خود آن اشیاء است و ربطی به فعل و عمل انسان ندارد. بسیاری از دستورات تکلیفی مانند حرمت اکل یا وجوب اجتناب در نماز و... از این قوانین وضعی به دست می‌آید.

## اصطلاح روز:

امروزه واژه حلال در دنیا بسیار پرکاربرد است و می‌توان گفت، تمامی انسان‌ها با هر زبانی با این کلمه آشنا هستند و آن را در حوزه‌های بسیاری از جمله خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها، مواد آرایشی و بهداشتی، دارو، مد و لباس، رسانه، معماری، هتلداری، گردشگری، اقتصاد، بیمه و بانک داری و .... به کار می‌برند و به هر چیزی که مطابق

۱. «المُحَرَّمُ مِنَ الْإِبِلِ مِثْلَ الْعُرْضِيِّ، وَ هُوَ الذَّلُولُ الْوَسْطُ، الصَّعْبُ النَّصْرُفِيُّ حِينَ تَصْرَفُهُ الْمُحَرَّمُ مِنَ الْجِلْدِ: مَا لَمْ يَدْبِغْ أَوْ دَبِغَ فَلَمْ يَكْمُرَنَّ وَ لَمْ يَبَالِغْ، وَ جِلْدُ مُحَرَّمٌ: لَمْ تَتَمَّ دِبَاغَتُهُ. وَ سَوَاطِئُ مُحَرَّمٌ: جَدِيدٌ لَمْ يُكَلِّنْ بَعْدُ». مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ه.ق. «حَرَامٌ يَعْنِي مَمْنُوعٌ بَوْدُنْ مِنْ شَيْءٍ». مفردات الفاظ قرآن؛ ج ۱؛ ص ۴۷۳.

۲. «الحرام هو القسم الثالث من أقسام الحكم التکلیفی و الحرام هو ما طلب الشارع الكف عنه على وجه الحتم و الإلزام، فيكون تاركه مأجورا مطيعا، و فاعله آثما عاصيا». حسن، خالد رمضان، معجم أصول الفقه - قاهره، چاپ: اول، ۱۴۱۸ ق.



با احکام و قواعد اسلامی باشد، عنوان حلال اطلاق می‌کنند و بدین‌گونه امروزه «حلال» عبارت دیگری برای بیان اسلامی بودن کالا به شمار می‌آید.

### تعریف حلال:

با توجه به مطالب ارائه شده، می‌توان گفت: به هر تناسب، اعتدال، صحت و سلامت که در آن گره، گرفتاری، ناراحتی و سختی نباشد و مورد تأیید اسلام نیز باشد، اصطلاح حلال اطلاق می‌شود.

پس آنچه شریعت به اجتناب از آن دستور داده است، حلال نیست؛ آنچه خداوند حکم به پلیدی آن نموده نیز حلال نیست؛ همچنین آنچه عامل گرفتاری، بیماری، ظلم و نکبت است، حلال نیست؛ و آنچه مطابق طبع و شرع و عقل است و عامل سعادت و سلامت حلال است.

کلمات دیگری نیز در ادبیات دینی و استعمالات امروزه در همین معنا به کار رفته است؛ مانند طیب، green سبز، طاهر، اسلامی، سالم، پاک، مذکی و مصفی؛ اما جامع، کامل و پرکاربردترین آنها واژه «حلال» است.

### پیشینه حلال

در این بخش از مقاله، به معنای متداول حلال که بیشتر در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها کاربرد دارد، با هدف تبیین تاریخچه مختصری از موضوع توجه شده است. می‌توان گفت با خلقت آدم و حوا اولین نکاتی که به آنها بیان شد، حلال و حرام بود. خداوند به پدرمان آدم و مادرمان حوا خوردنی‌های حلال و خوردنی‌های حرام را اعلام کرد.

«وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا

تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره/۳۵). از آیه قرآن به روشنی مشخص

می‌گردد که حلال‌ها بسیار و بی‌شمار است و حرام اندک و ناچیز. چنانچه قرآن می‌فرماید بعد از خوردن آن خوراکی حرام، گرفتاری‌ها و سختی‌ها و مشکلات برایشان پدید آمد (فَدَلَّتْهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ

عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَيْتُهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تَلْكُمَا الشَّجَرَةَ وَ أَقْلَ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ (اعراف/۲۲)

### اولین گیاه حرام، شجره ممنوعه

اولین خوراک غیر حلال در تاریخ بشری، شجره ممنوعه است که در شریعت‌ها و کتب مختلف به آن پرداخته شده و برای آن مصادیق مختلف و حکمت‌ها و قصه‌های متفاوت بیان شده است.<sup>۱</sup>

### حلال در آیین هندوئیسم

بسیاری از هندوها امروزه گیاه‌خوار هستند و از خوردن گوشت حیوانات اجتناب می‌کنند و بر اساس باورهای مذهبی، آن را هیمسا (خشونت) می‌دانند و به منظور رعایت آهیمسا (عدم خشونت) از خوردن گوشت دوری می‌کنند. بر اساس باور هندوها حتی آنها که گیاه‌خوارند، گاو حیوان مقدسی است و نباید از گوشت آن خورد و در برخی ایالات هند، کشتن گاو برای غیرهندوها هم ممنوع و حرام است.<sup>۲</sup> در آیین هندو، نوشیدن نوشیدنی‌های مست‌کننده نیز نهی شده و بسیاری از هندوها از نوشیدنی‌های الکلی دوری می‌کنند.

---

۱. برای توضیح رک: تفسیر نور الثقلین، ج اول، ص ۵۹ و ۶۰ و ج دوم، ص ۱۱. در والگیت (ترجمه کتاب مقدس به زبان لاتین) در ترجمه کتاب پیدایش (۲: ۱۷) چنین آمده:

"de lingo autem scientiae boni et mali he comedas...Szpek, Heidi. Voices from the University: The Legacy of the Hebrew Bible. p. ۹۲. ISBN 978-0-595-25619-8 .

کتاب مقدس تورات، ۱۳۶۴ش، سفر پیدایش، فصل دوم، شماره ۱۷ و فصل سوم، شماره ۲۳.

2.)India targets cow slaughter by Jyotsna Singh, BBC correspondent in Delhi - Monday, 11 August 2003, 15:52 GMT)

## حلال در آیین بودیسم

بوداییان نیز از نوشیدنی‌های مست‌کننده استفاده نمی‌کنند و در تعالیم بودا از خوردن آن نهی شده‌اند. کشتن حیوانات در تعالیم بودا عملی قبیح است (کسی که باعث مرگ موجود زنده شود، شانس او را برای روشنی می‌گیرد). بودا از خوردن گوشت اجتناب می‌کرده و از ۵ دستور این آیین، دوری از زائل‌کنندگان عقل مانند مشروبات است (فرامین پنجگانه‌ی بودیسم که برپایه‌ی اخلاقیات هستند عبارتند از:

۱. نگرفتن جان از موجود جاندار
  ۲. نگرفتن مالی که حق شما نیست
  ۳. پرهیز از سوء رفتار جنسی
  ۴. پرهیز از گفتار دروغ
  ۵. پرهیز از مصرف هرگونه مشروبات الکلی و مخدراتی که عقل را زائل می‌کند. (جبرایل، آرش، ص ۲۱)
- همچنین بوداییان از خوردن شیر و لبنیات نیز اجتناب می‌کنند و از خوردن برخی صیفی‌جات هم منع شده‌اند.

## حلال در آیین زرتشت

در آیین زرتشت نیز به مسئله خوراک توجه شده است. خوردن گوشت حیوانات غیر سُم‌دار ممنوع است و از گوشت گوسفند، گاو، بز، شتر، آهو، گاو میش و گوزن استفاده می‌کردند (جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب آسانا، ۱۳۸۲).

برخی از زرتشتیان هم با توجه به قداست گاو از کشتن و خوردن گوشت آن اجتناب می‌کنند؛ هم چنین در متون زرتشتی خوردن سارگر، کلاغ و کرکس حرام اعلام شده (آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ۱۳۸۶)

خوردن گوشت خوک هم در ابتدا چون خرفستر (نجاسات و کثافت) می‌خورد، ممنوع بود، اما خوک خانگی و پرورشی مجاز اعلام شد (جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب آسانا، ۱۳۸۲) هم چنین خوردن گوشت خام در آیین زرتشت ممنوع و عامل بدخو شدن معرفی شده است (عقیفی، رحیم، ۱۳۴۲)

نوشیدن شراب در ابتدای ظهور دین زرتشت امری مذموم بوده است که بعدها با تحریف، نه تنها مصرف آن در آیین زرتشت قبیح نبود، بلکه فوایدی هم برای آن برشمرده و در مناسبت‌های مذهبی از آن استفاده می‌کنند (کبری نودهی و مسعود کثیری، ۱۳۹۲)

### حلال در آیین منداییان

در آیین منداییان یا همان صابئین معتسله که در خوزستان به صبی معروف هستند و جهان‌بینی‌ای همانند زرتشت دارند نیز قواعد فراوانی برای حلال و حرام وجود دارد. منداییان از هر گوشتی برای خوردن استفاده نمی‌کنند و مراسم خاصی برای ذبح پرندگان یا گوسفند دارند. آنها پرندگانی را ذبح می‌کنند که از گوشت تغذیه نکنند و چنگال نداشته باشند مثل عقاب و شاهین و قرقی؛ چرا که اعتقاد دارند ذبح آنها حرام است. اما از چهارپایان فقط از گوشت گوسفند نر استفاده می‌کنند. گوسفند قربانی نباید بیمار باشد و هیچ زائده غیر معمول و غده‌ای نداشته باشد، وگرنه ذبح نمی‌شود. ذبح حیوان بدین شکل است که ابتدا آن را در آب شستشوی آیینی داده، سپس به گونه‌ای که با زمین تماس نداشته باشد او را در هوا نگهداشته، سرش را می‌برند. چون زمین مرز عالم پست و ظلمت محسوب می‌شود، حیوانی که شستشو داده شده و آماده ذبح است، نباید با زمین تماس پیدا کند (عربستانی، مهرداد، ۱۳۹۷).

### حلال در ادیان ابراهیمی

#### کوشر و یهود

فقه یهود تمام جنبه‌های زندگی یک یهودی را در بر می‌گیرد و تعالیم شریعت یهود در زمینه غذا، کوشر نامیده می‌شود. قوانین کوشر مربوط به خود خوراکی‌ها، ترکیبات خوراکی‌ها و دستگاه‌ها و ظروف تولید و مصرف آنها می‌شود و هر کدام، شرایط و ضوابط مربوط به خود را دارد.

بر پایه قوانین کوشر، خوردن خوک، شتر، حیوانات و پرندگان گوشتخوار و نوشیدن خون جانداران، مجاز نیست. فقط جانوران دریایی که دارای فلس (پولک) و باله باشند،

گوشت هستند. گوشت حیوان غیر نشخوارکننده پاک نیست. (سفر "لاویان" فصل یازدهم)

یهودیان شراب و نوشیدنی‌های مست‌کننده را پلید می‌دانند و از آن اجتناب می‌کنند؛ «خداوند هارون را خطاب کرده گفت: تو و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شوید، شراب و مسکری منوشید، مبادا بمیرید؛ این است فرضیه ابدی در نسل‌های شما». (سفر لاویان، فصل ۹:۱۰)

یهودیان معتقدند پیشینه این حلال و حرام‌ها مربوط به حضرت ابراهیم و یعقوب است و آنها به روش ایشان عمل می‌کنند (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴)؛ البته آیات قرآن برخی از تحریم‌ها را ناشی از نافرمانی یهود از دستورات الهی و جهت مجازات آنها می‌داند؛ «فَيَظْلِمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْنَهُمْ طَيِّبَاتٍ أُجِلَّتْ لَهُمْ» (سوره نساء/ ۱۶۰)

### حلال در آیین مسیحیت

هرچند در عهد جدید و به عقیده مسیحیان، مسیح (ع) صراحتاً اعلام کرده است: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیا را منسوخ کنم، من آمده‌ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم... پس اگر کسی از کوچک‌ترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند، او در ملکوت آسمان از همه کوچک‌تر خواهد بود...» (انجیل متی، فصل ۵، آیه ۱۷) اما اغلب مسیحیان پس از مسیح تحت تأثیر آموزه‌های پولس، اساس شریعت در این آیین را قبول ندارند و چنانچه پولس گفته است: «ما نسبت به شریعتی که موجب بردگی ما بود، مرده‌ایم و از این پس باید خدا را به وسیله روح‌القدس خدمت کرد، نه مانند گذشته که از قوانین نوشته شده اطاعت می‌کردیم» (رساله پولس به رومیان، ۴: ۱۲؛ ۷: ۵ و ۶؛ ۹) به مخالفت با شریعت می‌پردازند؛ بنابراین در مسیحیت، خوردن هر چیزی که قابلیت برای خوردن داشته باشد، ممنوعیتی ندارد و خوردن هیچ چیزی حرام نیست؛ «هیچکس با خوردن چیزی نجس نمی‌شود، چیزی که انسان را نجس می‌کند سخنان و افکار بد اوست» (انجیل متی، فصل ۱۵، آیه ۱۱). چه اینکه اساساً حکم حلال و حرام در این آیین

موضوعیت ندارد و حتی در آموزه‌های آنها تعریف و تمجید از شراب در زبان حضرت مسیح نیز به چشم می‌خورد!

البته فرقه آدونیست‌های روز هفتم در میان مسیحیان از قوانین رژیم غذایی عهد قدیم تبعیت می‌کنند و از خوردن گوشت و مست‌کننده‌ها پرهیز می‌کنند. (راستن لئو، ترجمه بقائی (ماکان) محمد، ۱۳۷۶)

### حلال در اسلام

چنانچه در مقدمه بیان شد، اصطلاح حلال از اصطلاحات خاص شریعت اسلامی است که از روح و معنای عمیق برخوردار است.

در شریعت اسلامی به مسأله حلال و حرام در خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و سایر حوزه‌های آن توجه بسیار شده است و در قرآن کریم به انسان دستور توجه و دقت در خوراکش داده شده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (سوره عبس / ۲۴) در ادبیات دینی درباره خوردن و آشامیدن، نوع و کیفیت طبخ، تولید و نگهداری و چگونگی به دست آوردن طعام، دستورات فراوانی دیده می‌شود؛ در آیات فراوانی از قرآن (بیش از ۲۵۰ آیه) به بحث حلال و پاک و خوردن و آشامیدن و امور مرتبط با آنها اشاره شده است.<sup>۱</sup>

در کلام حضرات معصومین علیهم‌السلام، بزرگان دین، علما و فقهای اسلامی نیز، مسأله حلال جزء مسائل اصلی و حیاتی بشر عنوان شده و به اثرات مادی و معنوی حلال، اهمیت و جایگاه آن، بیان مصادیق و موارد حلال و حرام اشاره شده است و در تمام کتاب‌های مفصل روایی، روایات مرتبط با حلال خصوصاً در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها به چشم می‌خورد و باب صید و ذبحه و اطعمه و اشربه فصل‌های مستقلی را به خود اختصاص داده‌اند.

برای شناخت مسایل حلال و حرام و آشنایی با نظر اسلام نسبت به خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های حلال، می‌توان به مقالات و کتب متعدد در این رابطه مراجعه کرد.

۱ ر.ک: هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، بوستان کتاب؛ ۱۳۸۶ش، ذیل غذا، طعام، حلال، طیب و...

## فلسفه حلال و حرام

حلال و حرام‌های اعلام شده در اسلام با هدف نیل بشر به سلامت و سعادت آمده است؛ چنانچه در کلام امام رضا علیه‌السلام آمده است: «خداوند تبارک و تعالی هیچ خوردنی و نوشیدنی را حلال نکرده است، مگر آن که در آن منفعت و صلاحی بوده و هیچ خوردنی و نوشیدنی را حرام ننموده، مگر آن که در آن ضرر و مرگ و فساد بوده است» (مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۳۳)

چنانچه در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به وضوح بیان شده است، حلال و حرام‌ها در اسلام صرفاً جنبه تشریح و تعبد ندارد و با هدف منفعت و صلاح نسل‌های بشر است و جنبه‌های مختلف جسمی، روانی، معنوی، اجتماعی و روحانی را دربر می‌گیرد. (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۴۵). می‌توان برای هر کدام از حلال و حرام‌ها با استفاده از منابع دینی و علم روز، حکمت و دلیل خاصی بیان نمود که مقالی مستقل و پژوهشی ویژه می‌طلبد. درباره پیامدها و آثار حلال و حرام نیز سخنان بسیاری از پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است.<sup>۱</sup>

## نتیجه‌گیری

چنانچه در این مقاله به تطوّر معنایی - تاریخی «حلال» پرداخته شد، فهم و برداشت صحیح و دقیق از هر علم، مفهوم و مقوله‌ای است که در اولین گام خود نیازمند رمزگشایی از واژگانی است که آن مسأله را موجودیت می‌بخشند و دریافت نادرست از مفاهیم و واژگان یک علم، تفسیر نادرستی از آن را به همراه دارد. به تفصیل روشن گردید که حلال در لغت به معنی گشودن و باز شدن گره و راحتی است و در اصطلاح هم حکمی وضعی است متناسب با معنای لغوی و نه حکم تکلیفی؛ و با همین تعریف دقیق مشخص می‌شود علت رواج و توسعه این واژه و کاربرد آن در مسایل علوم مختلف و شاید هر چیز و هر جا تناسب آن با معنای حقیقی مغفول حلال که مناسب ذوق و نگاه شارع مقدس نیز هست، می‌باشد.

۱. رک: قاسمی، محمدعلی، روزی حلال؛ تأثیر مال و لقمه حلال و حرام بر سرنوشت انسان؛ قم،

## پیشنهادات

با توجه به تعریف ارایه شده، شایسته و بایسته است که به تعریف حلال در هر کدام از حوزه‌های خاص آن توجه شود و برای اصطلاح حلال در هر کدام از حوزه‌های مطرح، تعریفی دقیق، علمی، روشن، مناسب و جامع و مانع ارائه گردد.

از این رو از مناسب است عالمان، اندیشمندان و پژوهشگران هر حوزه‌ای که واژه حلال بر آن اطلاق شده یا می‌گردد، تعریفی در خور شأن از واژه مذکور ارائه کنند و به طور ویژه، حلال در موارد ذیل را تعریف نمایند: رزق حلال، خوراکی و آشامیدنی حلال، هنر حلال، لوازم آرایشی و بهداشتی حلال، معماری حلال، بانکداری حلال، اقتصاد حلال، ورزش حلال، گردشگری حلال، داروی حلال، مدل و لباس حلال (فشن)، رسانه حلال (مدیا)، و ... .



## فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
- ابن سیده، المحکم والمحيط الأعظم، ج ۲؛ بی نا، ۱۴۲۱ ه.ق.
- زهری، محمد بن احمد، تهذيب اللغة؛ دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه.ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب؛ دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس؛ دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان؛ دار إحياء التراث العربي بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العين؛ موسسه دارالهجره، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- هروی، محمد بن یوسف، بحر الجواهر معجم الطب الطبيعي، دارالهجره، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن؛ دار القلم، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین؛ مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی؛ انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن؛ انتشارات اسلامی، تهران، بی تا.
- بدری، تحسین، معجم مفردات أصول الفقه المقارن؛ المشرق للثقافة و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق
- التهانوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۲؛ مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
- الفرضوی، یوسف، الحلال والحرام فی الإسلام؛ مکتبه وهبة، قاهره، ۱۳۱۱ ه.ق - ۲۱۱۲ م.
- عثمان، محمود حامد، القاموس المبین فی اصطلاحات الأصولیین؛ دار الزاحم، ریاض، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
- العروسی، الشیخ عبد علی، تفسیر نور الثقلین، ج اول و دوم؛ انتشارات علمی، قم، ۱۴۲۱ ه.ق.
- کتاب مقدس تورات، ۱۳۶۴ ش، سفر پیدایش، فصل دوم، شماره ۱۷ و فصل سوم، شماره ۲۳.

- جبرائیل، آرش، گرد آوری و ترجمه آموزه های بودایی، بی تا.
- جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب آسانا، متن های پهلوی، پژوهش سعید عربان؛ سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد؛ ترجمه کتاب پنجم دینکرد؛ بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۸۶.
- ارداویرفنامه، به کوشش رحیم عفیفی؛ دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۲.
- نودهی، کبری و کثیری مسعود؛ تاثیر آموزه های بهداشتی زرتشت در طب خوراک ایرانیان باستان، مجله «طب سنتی اسلام و ایران»؛ زمستان ۱۳۹۲، سال چهارم - ش ۴.
- عربستانی، مهرداد، صابئین مندائی، کیهان شناسی سازه و منظر؛ مجله هنر و تمدن شرق، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه؛ دارالکتب الإسلامیة تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- راستن لئو، فرهنگ تحلیلی مذاهب امریکا؛ ترجمه بقائی (ماکان) محمد، نشر حکمت، تهران، ۱۳۷۶.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما؛ قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- محدث نوری، مستدرک الوسایل، جلد ۱۶؛ موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، جلد ۳؛ موسسه اعلمی، تهران، ۱۴۰۶ ه.ق.
- قاسمی، محمدعلی، روزی حلال؛ تأثیر مال و لقمه حلال و حرام بر سرنوشت انسان؛ قم، نورالزهر (ع)، ۱۳۸۸.
- حسن، خالد رمضان، معجم أصول الفقه؛ بی تا، قاهره، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- مکی عاملی، حسین بن یوسف، قواعد استنباط الأحکام؛ قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ق.
- مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان؛ دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- سایت مدرسه فقهات [www.eshia.ir/Feqh](http://www.eshia.ir/Feqh)